بیانات حضرت امام خامنه ای در اجلاس سران کشور های اسلامی پیرامون فلسطین:

بسمِ اللهِ الرّحمٰنِ الرَّحیمالحمدلله ربّ العالمین و صلوات الله و تحیّاته علی سیّدالانام محمّدٍ المصطفی و آله الطّیّبین و صحبه المنتجبین  
قال الله الحکیم فی الکتاب المبین:  
«وَ لا تَهِنوا وَ لا تَحزَنوا وَ اَنتُمُ الاَعلَونَ اِن کُنتُم مُؤمِنین»(۱) و قال عزّ مَن قائِل:  
«فَلا تَهِنوا وَ تَدعوٓا اِلَى السَّلمِ وَ اَنتُمُ الاَعلَونَ وَ اللَهُ مَعَکُم وَ لَن یَتِرَکم اَعمالَکُم»(۲).  
  
 در آغاز لازم میدانم، به همه‌ی شما میهمانان عزیز، رؤسای محترم مجالس، رهبران گروه‌های مختلف فلسطینی، اندیشمندان، فرزانگان و شخصیّت‌های برجسته‌ی جهان اسلام و دیگر شخصیّت‌های آزادی‌خواه، خوشامد بگویم و حضورتان در این نشست ارزشمند را گرامی بدارم.  
  
 قصّه‌ی پُرغصّه‌ی فلسطین و اندوه جان‌کاه مظلومیّت این ملّت صبور، بردبار و مقاوم، حقیقتاً هر انسان آزادی‌خواه و حق‌طلب و عدالت‌جو را می‌‌آزارد و درد و رنجی انبوه بر دل می‌نشاند. تاریخ فلسطین و اشغال ظالمانه‌‌ی آن و آواره کردن میلیون‌ها انسان و مقاومت دلیرانه‌ی این ملّت قهرمان، پُر فرازونشیب است. کاوشی هوشمندانه در تاریخ نشان میدهد که در هیچ برهه‌ای از تاریخ، هیچ‌یک از ملّتهای جهان با چنین رنج و اندوه و اقدامی ظالمانه مواجه نبود‌ه‌اند که در یک توطئه‌ی فرامنطقه‌ای، کشوری به طور کامل اشغال شود و ملّتی از خانه و کاشانه‌ی خود رانده شوند و به جای آنان، گروهی دیگر از جای جای جهان بدان‌جا گسیل شوند؛ موجودیّتی حقیقی نادیده گرفته شود و موجودیّتی جعلی بر جای آن بنشیند، امّا این نیز یکی از صفحات ناپاک تاریخ است که همچون دیگر صفحات آلوده، با اذن خدای متعال و یاری او بسته خواهد شد؛چه آنکه‌‌: إِنَّ‌ الْبَاطِلَ کانَ‌ زَهُوقًا.(۳) وَ قال: اَنَّ الاَرضَ یَرِثُها عِبَادِیَ الصَّٰلِحُون.(۴)  
  
 کنفرانس شما در یکی از سخت‌ترین شرایط جهانی و منطقه‌ای برگزار میشود. منطقه‌ی ما که همواره پشتیبان ملّت فلسطین در مبارزات آن علیه یک توطئه‌ی جهانی بوده است، این روزها دستخوش ناآرامی و بحرانهای متعدّد است. بحرانهای موجود در چندین کشور اسلامی منطقه موجب شده است تا حمایت از مسئله‌ی فلسطین و آرمان مقدّس آزادی قدس کم‌رنگ شود. توجّه به نتیجه‌ی این بحرانها، به ما تفهیم میکند که قدرتهای سودبرنده از آن کدامند. آنانی که رژیم صهیونیستی را در این منطقه به وجود آوردند تا از طریق تحمیل یک درگیری طولانی‌مدّت، مانع از ثبات و استقرار و پیشرفت منطقه شوند، اینک نیز در پسِ فتنه‌های موجود قرار دارند. فتنه‌هایی که موجب شده است تا توانمندی‌های ملّتهای منطقه در درگیری‌های عبث و بیهوده به خنثی کردن یکدیگر مصروف شود و با فشل شدن همه، آنگاه فرصت برای قدرت‌گیری هرچه بیشتر رژیم غاصب صهیونیستی فراهم آید. همچنان در این میان، شاهد تلاش خیرخواهان و عقلا و حکمای امّت اسلامی هستیم که دلسوزانه در پی حلِّ این اختلافات هستند؛ امّا متأسّفانه، توطئه‌های پیچیده‌ی دشمن، توانسته است با بهره‌گیری از غفلت برخی دولتها، جنگهای داخلی را بر ملّتها تحمیل کند و آنها را به جان یکدیگر بیندازد و تلاش این خیرخواهان امّت اسلامی را کم اثر کند. آنچه در این میان حائز اهمّیّت است، تضعیف جایگاه مسئله‌ی فلسطین و تلاش برای خروج آن از اولویّت است. باوجود اختلافاتی که کشورهای اسلامی با یکدیگر دارند که برخی از آنها طبیعی و برخی دیگر توطئه‌ی دشمن و برخی دیگر ناشی از غفلت است، لیکن همچنان عنوان فلسطین میتواند و باید، محور وحدت همه‌ی آنان باشد. یکی از دستاوردهای این نشست ارزشمند، مطرح کردن اولویّت نخست جهان اسلام و آزادی‌خواهان جهان، یعنی موضوع فلسطین و ایجاد فضای همدلی برای تحقّق هدف والای حمایت از مردم فلسطین و مبارزات حق‌طلبانه و عدالت‌جویانه‌ی آنان است. هرگز نباید از اهمّیّت حمایت سیاسی از مردم فلسطین غافل بود که در جهان امروز از اولویّت ویژه‌ای برخوردار است. ملّتهای مسلمان و آزادی‌خواه با هر سلیقه و روش، امّا میتوانند در یک هدف گرد هم ‌آیند و آن فلسطین و ضرورت تلاش برای آزادی آن است. با پدیدار شدن نشانه‌های افول رژیم صهیونیستی و ضعفی که بر متّحدان اصلی آن بویژه ایالات متّحده‌ی‌ آمریکا حاکم شده است، مشاهده میشود که اندک اندک، فضای جهانی نیز به سمت مقابله با اقدامات خصمانه و غیر قانونی و غیر انسانی رژیم صهیونیستی میل میکند، البتّه هنوز جامعه‌ی جهانی و کشورهای منطقه نتوانسته‌اند به مسئولیّت خود در برابر این مسئله‌ی انسانی عمل کنند.  
  
 سرکوب وحشیانه‌ی ملّت فلسطین، دستگیری‌های گسترده، قتل و غارت، غصب سرزمین‌های این ملّت و بنای شهرک در آنها، تلاش برای تغییر چهره و هویّت شهر مقدّس قدس و مسجدالاقصی و دیگر اماکن مقدّس اسلامی و مسیحی در آن، سلب حقوق اوّلیّه‌ی شهروندان و بسیاری از مظالم دیگر همچنان ادامه دارد و از پشتیبانی همه‌جانبه‌ی ایالات متّحده‌ی آمریکا و برخی دیگر از دولتهای غربی برخوردار است و متأسّفانه با عکس‌العمل شایسته‌ی جهانی مواجه نیست. ملّت فلسطین مفتخر است که خدای متعال بر آنان منّت گذارده و رسالت عظیم دفاع از این سرزمین مقدّس و مسجدالاقصی را بر دوش آنان نهاده است. این ملّت، راهی جز این ندارد که با اتّکال به پروردگار متعال و اتّکاء به توانمندی‌های ذاتی خود، در صدد برآید تا شعله‌ی مبارزه را همچنان فروزان نگاه دارد و الحق که تاکنون چنین کرده‌ است. انتفاضه‌ای که اینک در سرزمین‌های اشغالی برای سوّمین بار آغاز شده، مظلوم‌تر از دو انتفاضه‌ی گذشته، امّا درخشان و پُرامید در حرکت است و به‌ اذن الله خواهید دید که این انتفاضه، مرحله‌ی بسیار مهمّی از تاریخ مبارزات را رقم خواهد زد و شکستی دیگر بر رژیم غاصب تحمیل خواهد کرد. این غدّه‌ی سرطانی، از هنگام آغاز، مرحله‌ای رشد کرده و به بلای کنونی تبدیل شده و درمان آن نیز باید مرحله‌ای باشد، که چند انتفاضه و مقاومت پیگیر و مستمر توانسته است اهداف مرحله‌ای بسیار مهمّی را محقّق سازد و همچنان توفنده به پیش میتازد تا دیگر اهداف خود را، تا زمان آزادی کامل فلسطین محقّق سازد.  
  
 ملّت بزرگ فلسطین که بتنهایی، بار سنگین مقابله با صهیونیسم جهانی و حامیان قلدر آن را به دوش میکشد، صبور و بردبار، امّا مستحکم و استوار به‌ تمامی مدّعیان فرصت داده است تا ادّعای خود را به محک تجربه بسپارند. آن روز که با ادّعای نادرست واقع‌بینی و ضرورت پذیرش حداقل حقوق برای جلوگیری از ضایع شدن آن، طرحهای سازش به طور جدّی مطرح شد، ملّت فلسطین و حتّی همه‌ی جریانهایی که نادرستی این دیدگاه برایشان از پیش اثبات شده بود، به آن فرصت دادند. البتّه جمهوری اسلامی ایران، از همان ابتدا بر نادرستی این نوع روشهای سازش‌کارانه تأکید کرد و آثار زیان‌بار و خسارتهای سنگین آن را گوشزد نمود. فرصتی که به روند سازش داده شد، آثار مخرّبی در مسیر مقاومت و مبارزه‌ی ملّت فلسطین به همراه داشت، امّا تنها فایده‌ی آن، اثبات نادرستی تصوّر واقع بینی در عمل بود. اساساً روش و طریقه‌ی شکل‌گیری رژیم صهیونیستی به ‌گونه‌ای است که نمیتواند از توسعه‌طلبی و سرکوبگری و تضییع حقوق حقّه‌ی فلسطینیان دست بردارد؛ زیرا موجودیّت و هویّت آن در گروِ نابودی تدریجی هویّت و موجودیّت فلسطین است. چه، آنکه موجودیّت نامشروع رژیم صهیونیستی، در صورتی قابلیّت استمرار خواهد داشت که بر ویرانه‌های هویّت و موجودیّت فلسطین بنا شود. به همین دلیل است که حفاظت از هویّت فلسطینی و پاسداری از همه‌ی نشانه‌های این هویّتِ بر حق و طبیعی،‌ امری واجب، ضروری و یک جهاد مقدّس است. تا وقتی که نام فلسطین، یاد فلسطین و شعله‌ی فروزان مقاومت همه‌جانبه‌ی این ملّت برافراشته بماند، امکان ندارد که پایه‌های رژیم اشغالگر، مستحکم گردد.  
  
 مشکل روند سازش فقط در این نیست که با کوتاه آمدن از حقّ یک ملّت، به رژیم غاصب مشروعیّت میدهد،که خود خطائی بزرگ و نابخشودنی است، بلکه مشکل در آن است که اساساً هیچ تناسبی با شرایط کنونی مسئله‌ی فلسطین ندارد و خصلتهای توسعه‌طلبانه و سرکوبگرانه و آزمندانه‌ی صهیونیست‌ها را در نظر نمیگیرد؛ امّا این ملّت، با اغتنام فرصت توانسته است نادرستی ادّعای مدّعیان سازش را به اثبات رساند و در نتیجه، نوعی اجماع ملّی در مورد روشهای درست مبارزه برای احقاق حقوق حقّه‌ی ملّت فلسطین شکل گرفته است.  
  
 اینک مردم فلسطین در کارنامه‌ی سه دهه‌ی گذشته‌ی خود، دو الگوی متفاوت را تجربه کرده‌اند و میزان تناسب آن با شرایط خویش را دریافته‌اند. در مقابل روند سازش، الگوی مقاومت قهرمانانه و مستمرِ انتفاضه‌ی مقدّس قرار دارد که دستاوردهای عظیمی برای این ملّت داشته است. بی‌دلیل نیست که این روزها مشاهده میکنیم که از سوی مراکز معلوم‌الحال، «مقاومت»، مورد هجوم و یا «انتفاضه»، مورد سؤال قرار میگیرد. از دشمن انتظاری جز این نیست؛ زیرا به‌درستیِ این راه و ثمربخش بودن آن وقوف کامل دارد؛ امّا گاه مشاهده میکنیم که برخی از جریانها و حتّی کشورهایی که در ظاهر ادّعای همراهی با مسئله‌ی فلسطین را دارند، ولی در حقیقت درصددند تا مسیر درست این ملّت را منحرف کنند، به مقاومت حمله میکنند. ادّعای آنان این است که مقاومت در پی چند دهه از عمر خود، هنوز نتوانسته است آزادی فلسطین را محقّق سازد؛ پس این روش نیازمند بازنگری است! در پاسخ باید گفت: درست است که مقاومت هنوز نتوانسته به هدف غائی خود یعنی آزادی کلِّ فلسطین دست یابد، لیکن مقاومت توانسته است مسئله‌ی فلسطین را زنده نگه دارد. باید دید اگر مقاومت نبود، اینک در چه شرایطی به سر میبردیم؟ مهم‌ترین دستاورد مقاومت، ایجاد مانع اساسی در برابر پروژه‌های صهیونیستی است. موفّقیّت مقاومت، در تحمیل یک جنگ فرسایشی به دشمن است، یعنی توانسته برنامه‌ی اصلی رژیم صهیونیستی را که سیطره بر کلِّ منطقه بود، به شکست بکشاند. در این روند، باید بحق، از اصل مقاومت و سلحشورانی که در دوره‌های مختلف و از همان ابتدای اجرای پرده‌ی تأسیس رژیم صهیونیستی به مقاومت پرداختند و با تقدیم جان خود، پرچم مقاومت را برافراشته نگاه داشته و نسل به نسل آن را منتقل کردند، تجلیل شود. نقش مقاومت در دوره‌های بعد از اشغال بر کسی پوشیده نیست و یقیناً نمیتوان حتّی نقش مقاومت را در پیروزیِ ولو مختصرِ جنگ سال ۱۳۵۲ مصادف با ۱۹۷۳ میلادی نادیده انگاشت؛ و از سال ۱۳۶۱ مصادف با ۱۹۸۲ میلادی که عملاً بار مقاومت بر دوش مردم داخل فلسطین قرار گرفت، مقاومت اسلامی لبنان -حزبالله- از راه رسید تا یاریگر فلسطینیان در مسیر مبارزاتی‌شان باشد. اگر مقاومت، رژیم صهیونیستی را زمین‌گیر نکرده بود، اینک شاهد دست‌اندازی آن به دیگر سرزمین‌های منطقه بودیم؛ از مصر گرفته تا اردن و عراق و خلیج فارس و غیره؛ آری این دستاورد بسیار مهم است، امّا این تنها دستاورد مقاومت نیست و آزادی جنوب لبنان و آزادی غزّه، تحقّق دو هدف مرحله‌ای مهم در روند آزادی فلسطین به شمار میرود که توانسته است روند گسترش جغرافیایی رژیم صهیونیستی را معکوس گرداند. از اوایل دهه‌ی ۶۰ هجری شمسی مصادف با دهه‌ی ۸۰ میلادی به بعد، دیگر نه‌تنها رژیم صهیونیستی قادر نبوده است به سرزمین‌های جدیدی دست‌اندازی کند، بلکه عقب‌گرد آن با خروج ذلّت‌بار از جنوب لبنان آغاز شد و با خروج ذلّت‌بار دیگر از غزّه استمرار یافت. هیچ‌کس نمیتواند منکر نقش اساسی و تعیین‌کننده‌ی مقاومت در انتفاضه‌ی نخست باشد. در انتفاضه‌ی دوّم نیز نقش مقاومت، اساسی و برجسته بود. انتفاضه‌ای که در نهایت، رژیم صهیونیستی را وادار کرد تا از غزّه خارج شود. جنگ ۳۳ روزه‌ی لبنان و جنگهای ۲۲ روزه، ۸ روزه و ۵۱ روزه در غزّه، همگی صفحات درخشانی از کارنامه‌ی مقاومت است که موجب ‌افتخار تمام ملّتهای منطقه، جهان اسلام و همه‌ی انسانهای آزادی‌خواه‌ جهان است.  
  
در جنگ ۳۳ روزه، عملاً همه‌ی راه‌های امدادرسانی به ملّت لبنان و مقاومان سلحشور حزب‌الله بسته شده بود، امّا به یاری خداوند و اتّکاء به نیروی عظیم مردم مقاوم لبنان، رژیم صهیونیستی و حامی اصلی آن یعنی ایالات متّحده‌ی آمریکا، شکست مفتضحانه‌ای را متحمّل شدند که دیگر به‌آسانی جرئت حمله به آن دیار را نخواهند کرد. مقاومتهای پی در پی غزّه، که اینک به قلعه‌ی شکست‌ناپذیر مقاومت مبدّل شده است، در طی چند جنگ پیاپی نشان داد که این رژیم، ضعیف‌تر از آن است که در مقابل اراده‌ی یک ملّت، توان ایستادگی داشته باشد. قهرمان اصلی جنگهای غزّه، ملّت سلحشور و مقاومی است که باوجود تحمّل چندین سال محاصره‌ی اقتصادی، امّا با اتّکاء به قدرت ایمان، همچنان از این قلعه دفاع میکند. جای آن دارد که از همه‌ی گروه‌های مقاومت فلسطین، سرایا القدس از جنبش جهاد اسلامی، کتائب عزّالدّین قسّام از حماس، کتائب شهداء الاقصی از فتح و کتائب ابوعلی مصطفی از جبهه‌ی خلق برای آزادی فلسطین که نقش ارزشمندی در این جنگها داشتند، تقدیر به عمل آید.  
  
میهمانان گرامی!  
خطرات ناشی از حضور رژیم صهیونیستی هرگز نباید مورد غفلت قرار گیرد و لذا مقاومت باید از همه‌ی ابزارهای لازم برای استمرار کار خود برخوردار باشد و در این مسیر، همه‌ی ملّتها و دولتهای منطقه و همه‌ی آزادی‌خواهان جهان وظیفه دارند نیازهای اساسی این ملّت مقاوم را تأمین کنند که بستر اصلی مقاومت،‌ ایستادگی و پایداری ملّت فلسطین است که خودْ فرزندان غیور و مقاوم را پرورش داده است. تأمین نیازهای مردم فلسطین و مقاومت فلسطین، وظیفه‌ای مهم و حیاتی است که همه باید به آن عمل کنیم. در این روند، نباید به نیازهای اساسی مقاومت در کرانه‌ی‌ِ باختری بی‌توجّه بود که اینک بار اصلی انتفاضه‌ی مظلوم را بر دوش میکشد. مقاومت فلسطین نیز باید با عبرت‌گیری از گذشته‌ی خود به این نکته‌ی مهم توجّه داشته باشد که «مقاومت» و «فلسطین»، ارزشمندتر و والاتر از آن است که در اختلافات میان کشورهای اسلامی و عربی و یا اختلافات داخلی کشورها و یا اختلافات قومی و مذهبی درگیر شود. فلسطینیان، بخصوص گروه‌های مقاومت باید قدر جایگاه ارزشمند خود را بدانند و به این اختلافات ورود نکنند. کشورهای اسلامی و عربی و همه‌ی جریانهای اسلامی و ملّی، موظّفند در خدمت آرمان فلسطین قرار گیرند. حمایت از مقاومت، وظیفه‌ی همه‌ی ما است و هیچ‌کس حق ندارد در برابر کمک، از آنان انتظار ویژه‌ای داشته باشد. آری، تنها شرط کمک این است که این کمکها در جهت تقویت بُنیه‌ی مردم فلسطین و ساختار مقاومت هزینه شود. پایبندی به اندیشه‌ی ایستادگی در برابر دشمن و مقاومت در همه‌ی ابعاد آن، ضامن استمرار این کمکها است. موضع ما نسبت به مقاومت یک موضع اصولی‌ است و ربطی به گروه خاصّی ندارد. هر گروهی که در این مسیر استوار باشد، با او همراه هستیم و هر گروهی که از این مسیر خارج شود، از ما دور شده است. عمق رابطه‌ی ما با گروه‌های مقاومت اسلامی فقط به میزان پایبندی آنان به اصل مقاومت مرتبط است.  
  
 نکته‌ی دیگری که باید به آن اشاره شود، اختلاف میان گروه‌های مختلف فلسطینی است. تفاوت دیدگاه به دلیل تنوّع سلیقه در میان مجموعه‌ها امری طبیعی و قابل درک است و تا آنجا که در همین محدوده باقی بماند، چه بسا موجب هم‌افزایی و غِنای هرچه بیشتر مبارزات مردم فلسطین شود، لیکن مشکل از زمانی آغاز میشود که این اختلافات، به نزاع و خدای ناکرده درگیری بینجامد؛ که در این صورت جریانهای مختلف، با خنثی کردن قدرت و توان یکدیگر، عملاً در مسیری گام برمیدارند که خواست دشمن مشترک همه‌ی آنها است. مدیریّتِ اختلاف و تفاوت نگرش و سلیقه، هنری است که همه‌ی جریانهای اصلی باید آن را به کار گیرند و به‌ گونه‌‌ای برنامه‌های مختلف مبارزاتی خود را برنامه‌ریزی کنند که فقط به دشمن فشار آورد و موجب تقویت مبارزه شود. اتّحاد ملّی بر اساس برنامه‌ی جهادی، ضرورتی ملّی برای فلسطین است که انتظار میرود همه‌ی جریانهای مختلف در جهت عمل به خواست همه‌ی مردم فلسطین برای تحقّق آن بکوشند.  
  
 مقاومت، این روزها با توطئه‌ی دیگری نیز دست به گریبان است و آن تلاش دوست‌نمایانی است که میکوشند مقاومت و انتفاضه‌ی مردم فلسطین را از مسیر خود منحرف ساخته و آن را هزینه‌ی معاملات سرّی خود با دشمنان ملّت فلسطین بنمایند. مقاومت هوشمندتر از آن است که در این دام فروافتد؛ بویژه آنکه ملّت فلسطین رهبر حقیقی مبارزات و مقاومت است و تجارب گذشته نشان میدهد که این ملّت با درک دقیق از شرایط، مانع از این‌گونه انحرافات میشود و اگر خدای ناکرده، جریانی از جریانهای مقاومت در این دام فروافتد، این ملّت همچون گذشته میتواند نیاز خود را بازتولید کند. اگر گروهی پرچم مقاومت را بر زمین بگذارد، یقیناً گروهی دیگر از دل ملّت فلسطین بر‌می‌آید و آن پرچم را در دست خواهد گرفت.  
  
 مطمئناً شما حضّار محترم، در این نشست، فقط به فلسطین خواهید پرداخت که متأسّفانه در چند سال اخیر، کوتاهی‌هایی در توجّه لازم و ضروری نسبت به آن صورت پذیرفته است. یقیناً بحرانهای موجود در جای جای منطقه و امّت اسلامی شایسته‌ی توجّه است، لیکن آنچه موجب این گردهمایی است، مسئله‌ی فلسطین است. این اجلاس میتواند خود الگویی باشد تا با تأسّی به آن، رفته‌رفته همه‌ی مسلمانان و ملّتهای منطقه بتوانند با تکیه به اشتراکات خود، اختلافات را مهار کرده و با حلِّ تک‌تک آنها، موجبات تقویت هرچه بیشتر امّت محمّدی (صلوات‌الله‌علیه) را فراهم آورند.  
  
 در پایان لازم میدانم بار دیگر از حضور ارزشمند همه‌ی شما میهمانان عالی‌قدر تشکّر کنم. همچنین از رئیس محترم مجلس شورای اسلامی و همکارانشان در مجلس دهم به دلیل زحمتی که برای تشکیل این کنفرانس انجام دادند، تشکّر میکنم. توفیق همه‌ی شما را در خدمت به مسئله‌ی فلسطین به عنوان اصلی‌ترین مسئله‌ی جهان اسلام و محور وحدت همه‌ی مسلمانان و آزادگان جهان از درگاه ایزد منّان مسئلت دارم.  
  
 درود و رحمت خداوند نثار روح پُرفتوح همه‌ی شهدای اسلام باد، بویژه شهدای والامقام مقاومت در برابر رژیم صهیونیستی و نیز همه‌ی رزمندگان صادق جبهه‌ی مقاومت و نیز روح مطهّر بنیان‌گذار جمهوری اسلامی که بیشترین اهتمام را به قضیّه‌ی فلسطین مبذول داشت. موفّق و پیروز باشید.  
  
 والسّلام علیکم و رحمةالله و برکاته